

## آشنایان بدخواه

من از بیگانگان هرگز نفالم  
که بامن هر چه کرد آن آشنا کرد

● عواطف افراطی چگونه بدبختی بار می‌آورد؟

● آریبیت و پرورش کودک از کجا شروع میشود؟

● ریشه اختلافات از چیست؟

● عواطف افراطی چگونه بدبختی بار می‌آورد

زبان‌هایی که در صحنه زندگی دامنگیر ما میشود بدون تردید عده‌ای از آنها از ناحیه دشمنان ما بوده و شائوده آن بدست مخالفین ما ریخته میگردد در حقیقت نهال این ناگواری‌ها از سرچشمه کینه توزی‌ها و حسادت‌های بشری سیراب گشته است .

اندک مطالعه‌ای این واقعیت را نیز آشکار می‌سازد که سهم دیگری از دشواری‌های زندگی بدست دوستان نادان ما و یا بوسیله اشتباهات خود ما نیز ریزی میشود .

در خانواده‌ای ممکن است کودکی وجود داشته باشد که در اثر فقدان مهر و محبت مادر و پدری چار لطمه‌های روحی شده باشد و خواهی نخواهی اثرات شوم این نوع بی‌مهری‌ها دیر یا زود در رفتار و رویه او ظاهر خواهد شد .

همچنین کودکانی که در ناز و نعمت بزرگ شده در دریای عواطف فوق‌العاده پدر و مادر غوطه‌خور می‌باشند دچار بکنوع انحرافات روحی میگردند که زبان آن متوجه خود آنها و مریبان گمراه آنان خواهد شد

مهر و محبت افراطی مانند سردی و بی‌مهری بیجا زبان‌آور است چه در اینگونه خانواده‌هایی که در اثر داشتن فرزند پیکانه و یا اصولاً تجاوز عواطف پدر و یا مادری از حد اعتدال

لذتهای کودک نادیده گرفته شده کودک در انجام کارهای زشت و ناپسند تشویق و ترغیب شده و جرات و جسارت او در رفتارهای فزون تر میگردد ، نتیجه ای که از این نوع تربیت های غلط بدست می آید ، با آنچه که محصول کبره توی و بی مهری است یکسان و برابر میباشد ، اگر نگوئیم که از آن زیان آورتر است

در این نوع تربیت های غلط سهیم بیشتری از جرم و گناه متوجه پدران و مادرانی است که از روز اول کودک خود را عزیز در دانه بار آورده اند ، و همین محبت های کاذب است که شالوده بدبختی کودکان را می ریزد کودک که در محیط خانه لوس بار آمده باشد وقتی محیط خانه را پشت سر گذارده وارد زندگی اجتماعی میشود ناراحتی و دشواری او آغاز میگردد چه آنجه که در بازار اجتماع بدان توجه و التفاتی نمیشود همان توقعات بیجا است

شراء و ادبیه با این نوع دوستی هارا زیان آورتر از عداوت های عاقلانه دانسته اند لذا از سالیان پیش گفته اند که : دشمن دانا به از نادان دوست است چه پدر نادان ممکن است از راه محبت لطمه های بس بزرگی با اصول تربیتی و پرورش کودک وارد کرده باشد که نتوان باین زوددیها آنرا ترمیم کرد .

### دوران تربیت و پرورش کودک از کجا شروع میشود ؟

بدون مبالغه سهیم سزائی از گرفتاریهای فردی و اجتماعی ما معلول است - بی مبالائیها میباشد این گونه پدران بجای دقت و اهتمام در مسائل تربیتی کودک و بازجویی از نیازمندیهای روحی او سعی در کوشش خود را مصروف خوب خوردن و خواب کردن فرزندشان مینمایند و در عوض در برابر دروغگویی و بی نظمی و تنبلی هیچ نوع عکس العملی از خود نشان نمیدهند و عملاً مسامحه مینمایند

شاید عدای چنین پندارند ؛ که کودک تا هفت سالگی باید آزاد بوده و در وضع و رفتارش هیچگونه مداخله نباید کرد تا دوران تحصیل او ابرسد و حال آنکه بر نامه تربیتی کودک از همان آغاز کودکی ؛ از همان موقتی که پستان مادر را می مکد شروع میگردد و هر اختلافه این بر نامه دقیقتر و مستقیم تر میشود

رفتار پدر و مادر در محیط خانه بطور غیر مستقیم تربیت و پرورش است که متوجه کودک میگردد ، و سرمایه های معنوی و روحی کودک بر محور همان روشها دور میزند .

### ریشه اختلافات از چیست ؟

دختری که از محیط خانه پدر گذشته و با جوانی بنام همسر بزرنگی زناشویی قسم

تهاده است ، اگر دختری باشد که در دوران کودکی لوس و نر بار آمده باشد محصول این بی تربیتی آنست که در اولین قبول زندگی آنچنان روزگارا بر هم سرخود تیره و تار مینماید که بازندگی مشترک را از هم متلاشی میکند یا در آستانه سقوط قرار میدهد ، این شکستی که در صحنه زندگی عاید يك دختر جوان شده معلول مهرهای بیجا و انجام دادن تقاضاهای بی حد و حصر است . اگر دیروز اندکی بتوقعات بیجای او پاسخ مثبت داده نمیشد امروز به چنین بدبختی دچار نمیکردید

کم و بیش همه ما از اختلافاتی که میان عروس و مادر شوهر و داماد و مادر زن بوجود می پیوندد با خبر و آگاه میباشیم و شاید بسیاری برای این جنگ و جدالها علل و سببهای ذکر کرده اند ، ولی آنچه مسلم است این نکتته است که سهم فراوانی از این جنگ و گریزها غالباً وابسته به پر توقعی مادر زن و مادر شوهر است چه این دو نفر بیشتر اوقات ظاهراً در لباس خیر خواهی و باطناً برای تحقق بخشیدن بتوقعات بیجای خود بنا میکنند در تمام شئون زندگی داماد و عروس از جزئی و کلی دخالت کنند و همین دخالت های ناروا و غلط است که باعث کشمکش های دامنه دار شده و گاه بعدائی و طلاق منجر میگردد .

\*\*\*

### شرایط و موازین رفاقت

امام صادق (ع) فرمودند : و برای رفاقت شرایط و حدودی است ، کسی که از آن شرایط و حدود تخلف کند شایسته رفاقت نیست و آن پنج شرط است :

- ۱- ظاهر و باطن او با تو یکسان باشد
- ۲- محاسن و مفاخر تو را محاسن و مفاخر خود و مفاخر تو را مفاخر خود بداند
- ۳- رسیدن به منصب و مقام و ثروت تغییری در حال او نسبت بتو حاصل نکند
- ۴- از کمکائی که مقدور است هیچگاه در باره تو مضارقه نکند
- ۵- که از همه مهمتر است اینست که هنگام گرفتاری و احتیاج تو را وانکار ندارد

(نقل از کتاب کافئ)